

# تغییر ما نیفست سیاسی - انتخاباتی اصولگرایان

چه در 6 سال گذشته، بر  
اصولگرایان گذشته که از جمنای  
به جمعیت اعتلای نهادهای مردمی  
رسیدند و به جای تشکلسازی به  
دنبال مدیریت رای در مشارکت  
پایین انتخاباتی این سالها  
هستند

سیما پروانه‌گهر

برگزاری اولین مجمع «جمعیت اعتلای نهادهای مردمی انقلاب اسلامی» با حضور جمعی از اعضای این جمعیت، نمایندگان مجلس و فعالان و شخصیت‌های سیاسی اصولگرا در هفته جاری يك خبر مهم سیاسی- انتخاباتی داشت؛ اصولگرایان متوجه شده‌اند که با ریزش جدی میزان رای‌دهندگان در دو انتخابات اخیر- انتخابات مجلس یازدهم و ریاست‌جمهوری سیزدهم- در کنار حذف رقیب دیرین یعنی اصلاح‌طلبان به لطف دایه مهربان‌تر از مادر اصولگرایان یعنی شورای نگهبان، دیگر زمان تلاش و تشکلسازی برای وحدت داخلی در اصولگرایان سر آمده و زمان مدیریت جمعیت قلیل رای‌دهنده رفت. همان‌طور که حمیدرسایی، چهره‌ای اصولگرا با سابقه عضویت در جبهه پایداری در گفت‌وگویی ویدیویی تاکید کرده بود مشارکت پایین در انتخابات امری پسندیده و میمون برای اصولگرایان است، چرا که مدیریت گروه رای‌دهنده بسیار راحت‌تر خواهد بود. گرچه بعدها این اظهارات را تکذیب کرد اما واقعیت این است که حرف دل همه اصولگرایان بود.

با مرور اسامی هیات موسس «جمعیت اعتلای نهادهای مردمی انقلاب

اسلامی» و مقایسه با تشکل جمنا که در دی‌ماه سال 1395 تشکیل شد، تشابهات اسمی جدی می‌بینیم، چهره‌های اصولگرا از بخش‌ها و گروه‌های مختلف به خصوص جمعیت ایثارگران و البته با حضور همیشه در صحنه غلامعلی حدادعادل؛ پدر معنوی ایثارگران و رهپویان. اما چه رخ داده که اصولگرایان از جمنا که هدف و ایده‌آل آن تجمیع احزاب و گروه‌های اصولگرا برای حرکت در مسیر انقلاب بودند به «جمعیت اعتلای نهادهای مردمی انقلاب اسلامی» رسیدند. اما چرا می‌توان چنین نتیجه‌گیری‌ای داشت؟

برای پاسخ به این سوال مرور اظهارات زهره الهیان، نماینده مردم تهران در مجلس یازدهم در نخستین مجمع «جمعیت اعتلای نهادهای مردمی انقلاب اسلامی» که در هفته جاری برگزار شد، ضروری به نظر می‌رسد. الهیان در سخنرانی خود به دو نکته تأکید کرده است؛ نخست اینکه «از ابتدای تشکیل مجلس یازدهم» به ذهن آنها خطور کرده تا از این ظرفیت عظیم «نیروهای انقلابی و نخبگان» در استان‌های مختلف کشور برای ایجاد یک جریان مثبت اجتماعی استفاده شود. او در ادامه تلویحا دلیل این جمع‌بندی را این‌گونه تعریف کرده است: احزاب آنقدر قوی نبودند و نتوانستند به خوبی این ظرفیت را مدیریت کنند و در نتیجه «یک نوع ناامیدی بین نخبگان صاحب ایده» رخ داد.

نکته دوم نیز هدف نهایی از این تغییر تاکتیک است، الهیان در ادامه صحبت خود، هدف غایی را پیاده‌سازی «حکمرانی مردم پایه» خوانده و از «گروه‌های جهادی، تشکلهای کارآفرین و اقتصادی و انجمن‌های صنفی فعال تعاونی‌های تشکلهای زنان» نام برده است. بنابراین صورت مساله با این دو نکته الهیان روشن می‌شود؛ باید از تمرکز تشکلهای انتخاباتی درون جریان اصولگرا فاصله گرفت و به سمت مدیریت گروهی رفت که قرار است به اصولگرایان رای بدهند و باید این تغییر تاکتیک را حرکت به سمت حکمرانی مردم پایه تلقی کرد.

علیرضا زاکانی، چهره شاخص دیگر از اردوگاه اصولگرایان در این مجمع اظهاراتی مشابه محتوای صحبت‌های الهیان را تکرار کرده و حتی گفته است که تشکیل نهادی برای دفاع از انقلاب و ارزشهای آن پیشنهاد مطرح شده در دهه 70 خورشیدی است که هاشمی و کروبی با آن همراهی نکردند. اظهارات چهره‌های دیگر این مراسم نیز بر همین منوال است. به‌طور مثال غلامعلی حدادعادل گفته است که برگزاری این مجمع و تشکیل اصل این جمعیت را باید به «فال نیک» گرفت. نکته‌ای که در مورد حدادعادل نباید از آن غافل شد شخصیت حقوقی او در جمع امروز اصولگرایان است؛ وقتی رییس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی که راهبری انتخاباتی اصولگرایان را در دو انتخابات اخیر به عهده داشته از این اقدام استقبال می‌کند یعنی این تصمیم جمعی است

یا حداقل در اتاق‌هایی گرفته شده که شاید حاضران آن همواره شفاف نباشند و نتوان با قطعیت از حاضران و موافقان و مخالفان درون آن صحبت کرد اما به‌طور قطع تصمیماتشان «برای اجرا» گرفته می‌شود. حداقل عادل در بخشی دیگر از سخنانش این جمعیت را «به مثابه نخ تسبیحی» خوانده که قرار است دانه‌های پراکنده سازمان‌های مردم‌نهاد را متحد کند و قوتشان را افزایش دهد.

مقایسه جالب دیگر حداقل در این نشست به تشبیه «جمعیت اعتلای نهادهای مردمی انقلاب اسلامی» با «کمیته‌های انقلاب اسلامی» در سال‌های نخست بعد از انقلاب است که یعنی تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

بنابراین به نظر می‌رسد استدلال کافی برای اینکه با استناد به گفته‌های این چهره‌های اصولگرا از تغییر جدی تاکتیک بگوییم، داریم؛ تغییر تاکتیک که می‌گوید اصولگرایان از تئوری «کارهای تشکیلاتی و صرف هزینه روانی و سیاسی جدی برای لیست‌بندی حزبی» گذر کرده‌اند و به دنبال برنامه‌ریزی روی همان جمعیت محدودی هستند که تحت هر شرایطی پای صندوق رای می‌آیند و همان اندازه که رای به صندوق انداخت آنها حتی به‌طور حتم رای‌شان نیز به اصولگرایان قطعی است.

### از جمنا تا جمعیت اعتلای نهادهای مردمی

دی ماه سال 1395 که جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی (جمنا) به عنوان یک حزب سیاسی- انقلابی تاسیس شد، همه می‌دانستند داستان به خردادماه سال بعد یعنی انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم مربوط است. همان اندازه که این روزها می‌دانیم «جمعیت اعتلای نهادهای مردمی انقلاب اسلامی» قرار است ریسمان توسل اصولگرایان در انتخابات مجلس سیزدهم باشد، آن روزها نیز روشن بود که در جریان راست برای رییس‌جمهور دوازدهم رویاها بافته شده است. ماه‌های بعد اما موسم قمر در عقرب برای جمنا و هر آن‌که به این دیوار تکیه کرده بود، شد. کما اینکه با فرارسیدن روز ثبت‌نام کاندیداهای ریاست‌جمهوری در بهار 1396، همه متوجه شدند که جبهه مردمی نیروهای انقلاب به عنوان پرسروصداترین تشکل انتخاباتی آن دوره، در عمل از هم پاشیده است کما اینکه وزارت کشور پر شد از چهره‌هایی که قرار بود در جمنا به مصالحه و تک‌کاندیدایی برسند.

در آن روزها محمدباقر قالیباف که در فاصله بین دی 1395 تا خرداد 1396 به امید جلب گوشه‌چشمی از جمنا تندترین حملات را به دولت اول روحانی کرده بود تا بتواند اقبال جبهه مردمی نیروهای انقلاب را کسب کند، مغلوب اصولگرایان به ابراهیم ریسی شد، ریسی هم در بیانیه خود بعد از ثبت‌نام در انتخابات حتی حاضر نشد نامی از جمنا

ببرد و تلویحا هرگونه ارتباط انتخاباتی خود را با هر شکل اصولگرایی از جمله جمنا رد کرد.

اختلافات داخلی نیز در جمنا کم نبود، وقتی حمیدرضا حاجی بابایی در 5 نفر نخست جمنا قرار نگرفت با اعتراض شدید خواستار بازشماری آرای فتح برای حذف وی شد یا ضرغامی پس از عدم توفیق در ثبت نام خود در 5 نفر نخست لیست جمنا صراحتا اطلاعیه داد که ریسی اصول جمنا را زیر پا گذاشته و باید حذف شود. اگرچه ضرغامی ساعاتی بعد از این اعتراض، پامنبری ریسی شد و هنوز هم با گذشت 5 سال مباحث و مسائل فاصله بین اعتراض ضرغامی و تبدیل وی به سامع سر به زیر منبر ریسی مبهم و مورد سوال است.

میرسلیم با اینکه جزو 14 کاندیدای مجمع ملی جمنا در اسفند 1395 بود، بعد از جا ماندن از لیست خمسه جمنا صراحتا اعلام می کند که کاندیدا میشود و روز ثبت نام با لباس کارگران به وزارت کشور رفت گویی علت عدم توفیقات دول قبلی در عرصه تولید یا کارگری عدم پوشش مناسب رییس دولت در روز ثبت نام بوده و این مساله نیز به عقل سلیم هیچ صاحب عقلي جز میرسلیم نرسیده است.

محسن رضایی به رغم مواضع معتدل گذشته خود این بار تندترین حرفها را علیه دولت وقت زد و به جرگه ای در نزدیکی چادر پایداریها در صحرای تاختن به دولت روحانی نقل مکان کرد اما در نهایت بین 10 کاندیدای جمنا در مراحل اولیه، دهم شد.

همین شد که جمنا که قرار بود محور وحدت و همگرایی احزاب و تشکلهای اصولگرا باشد به محور شکست وحدت تبدیل شد. این شکست از دو بعد قابل توجه است، نخست گفته های غلامرضا مصباحی مقدم در گفت و گویی بعد از پیروزی حسن روحانی در انتخابات سال 1396 است. مصباحی مقدم در پاییز سال 1396 در گفت و گویی اعلام کرد که احزاب همکاری لازم را نکردند و جمنا با برنامه ریزی روی طرفیت احزاب شکست خورد.

دومین بعد شکست تاکتیک جمنا برای اصولگرایان اما در انکار هویت خود در قبال کاندیدای نهایی اصولگرایان یعنی ابراهیم ریسی در سال 1396 بود؛ ریسی به صراحت اعلام کرد که مستقل وارد انتخابات میشود اما با این وجود جمنا از کاندیدایی که از اساس این تشکل را قبول نداشت اعلام حمایت کرد. بنابراین ادعای گزافی نیست اگر براساس تحولات در آن برهه زمانی شامل محتوای مستقل بیانیه ریسی، موضع گیری مجزای پایداری از جمنا، تکیه نوازی سعید جلیلی که آهنگش با ساز جمنا کوک نبود، روایت قربانزاده دبیرکل جمعیت پیشرفت و عدالت و سردبیر وقت همشهری، ارگان رسانه ای شهردار وقت تهران مبنی بر تصمیم قالیباف برای حضور مستقل از جمنا در انتخابات، برای همیشه

تاریخ مصرف خود را از دست داد.

با عبور از انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم و ثبت در تاریخ که لشکر متفرقی که حتی ابا داشت اصولگرا خوانده شود و برای خودش نام «جبهه مردمی نیروهای انقلاب» موسوم به جمن را برگزیده بود، در نهایت از ابراهیم ریسی که حتی یکبار از نزدیک این تشکل رد نشده بود حمایت کرد؛ زمان درس گرفتن بود.

شاید نخستین درس را محمدباقر قالیباف از این تجربه گرفت، از دست ردی که دوبار اصولگرایان در انتخابات ریاست‌جمهوری بر سینه‌اش زدند. همین شد که در ایام انتخابات مجلس یازدهم قالیباف برای نخستین‌بار درسی که امروز جمعیت اعتلای نهادهای مردمی به آن رسیده است؛ رقابت دیگر بین اصولگرایان و اصلاح‌طلبان نیست بنابراین نه نیازی به وحدت است و نه از اساس دیگر وحدت ممکن است. درس دوم توجه به کاهش میزان مشارکت بود، بنابراین باید از اتاق‌های فکر بیرون آمد به سمت رای‌دهندگان رفت. نمونه اجرایش هم قراردادن چهره‌هایی بی‌نام و نشان در لیست اصولگرایان بود که اگرچه باعث دلخوری دیگران شد اما وام‌داران به قالیباف را افزایش داد. همین شد که او با استفاده از وایه نواصولگرایی سعی کرد تا جوانان را به سمت خود جلب کند؛ جوانانی در مسجد و هیات و ادارات که می‌خواستند دولت و مجلس اصولگرا بر سر کار باشد اما از گعده‌های تشکلهای روحانی اصولگرا و چهره‌های راست سنتی و موتلفه و جامعه روحانیت مبارز و... سرخورده بودند. خرداد 98، حدود 9 ماه مانده به انتخابات مجلس یازدهم، او برای اولین‌بار پس از انتخابات ریاست‌جمهوری 96 موضوع «نواصولگرایی» را مطرح و در نامه‌ای اعلام کرد، باور دارد که «تغییر اساسی در نحوه کنش جریان اصولگرایی» یکی از مطالبات اصلی امروز جوانان مومن و دلسوز انقلاب و کشور است و تاکید کرد که اصولگرایی باید با حفظ مبانی و ارزش‌های انقلابی جمهوری اسلامی، حرکت در راستای «نواصولگرایی» را هرچه زودتر آغاز کند. او دو سال پیش از آن نیز با پیامی ضمن انتقاد از سازوکارهای انتخاباتی جریان‌های سیاسی، با اشاره به جوان‌گرایی و پوستاندازی از شکل‌گیری جریان نواصولگرایی در عرصه سیاسی کشور خبر داده بود؛ نواصولگرایی که قرار بود سراغ کف استوانه اصولگرایی بروند نه ساکنان راس آن.

در آن روزها نقد و تمسخر از جانب اصولگرایان به قالیباف کم نبود، صداهای پیدا و پنهان می‌گفتند که خلبان بیش از حد خیال اوج گرفتن دارد اما خلبان مختصات را درست تخمین زده بود. استراتژی او هم توانست مدیریت رای حداقلی را با موفقیت پشت سر بگذارد و هم شمشیر داموکلس شد بر سر اصولگرایان که اگر قالیباف را سرلیست تهران

قرار ندهند و مغلوب خط و نشان پایداریها شوند، او این بار کنار نمی‌کشد و لیست خود را ارایه می‌دهد.

کار اصولگرایان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال 1400 اما بیش از اندازه راحت بود. تصمیم گرفته شده بود که قرار است ریسی‌کاندیدا شود. تعارفی هم این بار در کار نبود که نیاز به حضور و انصراف جدی باشد. «شورای ائتلاف اصولگرایان» که البته بعد از مدت زمان اندکی با شرط و شروط و اصرار پایداریها به «شورای ائتلاف نیروهای انقلاب» تغییر نام داد نیز نه کار خاصی برای انجام دادن داشت نه کار خاصی انجام داد. قالیباف در مجلس بر کرسی ریاست بود و ابراهیم ریسی باید به پاستور می‌رفت. پس شد آنچه شد.

حالا اما شرایط تفاوت‌های بسیاری دارد. همان مشارکت متزلزل حول محور 45 تا 50 درصد نیز با توجه به حوادث سال جاری جای نگرانی دارد بنابراین به جای لیست‌هایی با شعارهای همیشگی عدالت و محرومیت باید طرحی نو در انداخت.

علاوه بر این در غیاب شیوخ اصولگرا که به عکس‌هایی با روبان‌های مشکی تبدیل شدند غائله زعامت نیز فاتح‌اش خوانده است، گرچه همان زمان‌ها نیز کم نبود موارد مشابه اینکه علی‌اکبر ولایتی در سال 1396 جواب تلفن مرحوم مهدوی‌کنی را برای کنار کشیدن از عرصه انتخابات نداده بود. علاوه بر این حالا مدعیان اصولگرا نیز زیاد شده‌اند؛ قالیباف خود را حاکم بلامنازع بهارستان می‌داند، دولت بدون شک لیست غیررسمی خود را خواهد داد، مردان علی لاریجانی و محمود احمدی‌نژاد و حتی شاید حسن روحانی، ساز رسیدن به مجلس کوه کرده‌اند. به همه این موارد نیروهای تازه‌نفس اصولگرایان از دانشگاه امام صادق(ع) تا عدالتخواهان انشعاب کرده و مترددین در دفاتر «مصاف» و «سراج» را نیز اضافه کنید. يك حساب سرانگشتی ساده می‌گوید دغدغه «وحدت» دیگر روغن ریخته است و بهتر است نذر امامزاده شود. وقتی پای اصلاح‌طلبان با چهره‌های اصلی و سازوکار تشکیلاتی در میان نباشد از اساس کدام وحدت؟ زمان آن است که اصولگرایان سر خود را بتراشند. همین شد که مانیفست اصولگرایی- انقلابی به تمرکز و توجه به نهادها و گروه‌های مردم نهاد رسیده است. خواه نامش همان باشد که الهیان می‌گویند و «حکمرانی مردم پایه» را هدف قرار دهد یا به قول قالیباف «حکمرانی نو» در دستورکار باشد. در زمانه عسرت رای باید هر رای را غنیمت شمرد حتی اگر به این قیمت که اصولگرایان از زنان سخن بگویند و با واژه‌هایی همچون ان.جی.او که تا دیروز نهاد جاسوسی بود و نامش اسم مکروه، آشتی کنند.

---

«بازرسی و نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی» در سال ۱۳۸۰  
تأسیس شد. این سازمان در راستای تحقق اهداف و سیاست‌های کلی  
حکومت در زمینه نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی فعالیت می‌کند.  
این سازمان در سال ۱۳۸۰ تأسیس شد و در راستای تحقق اهداف و سیاست‌های کلی  
حکومت در زمینه نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی فعالیت می‌کند.  
این سازمان در سال ۱۳۸۰ تأسیس شد و در راستای تحقق اهداف و سیاست‌های کلی  
حکومت در زمینه نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی فعالیت می‌کند.  
این سازمان در سال ۱۳۸۰ تأسیس شد و در راستای تحقق اهداف و سیاست‌های کلی  
حکومت در زمینه نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی فعالیت می‌کند.  
این سازمان در سال ۱۳۸۰ تأسیس شد و در راستای تحقق اهداف و سیاست‌های کلی  
حکومت در زمینه نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی فعالیت می‌کند.  
این سازمان در سال ۱۳۸۰ تأسیس شد و در راستای تحقق اهداف و سیاست‌های کلی  
حکومت در زمینه نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی فعالیت می‌کند.

منبع: روزنامه اعتماد 11 بهمن 1401 خورشیدی